

چه باورهای شخصی را داشته است، در نتیجه "جمهوری اسلامی کنش نیست، بلکه واکنش جامعه و ملت ماست". بر همین اساس فرهنگ "زنتیزی" در ایران از جمله حجاب اجباری و بکاربری واژگان زنتیزانه نیز یک واکنش است - واکنش و ثمره □ باورها و اندیشه های واپسگرایانه مذهبی ۱۳۰۰ و اندی ساله وارداتی از شنزارهای نجد و حجاز در ایران است که "زن" ایرانی را "ضعیفه" و موجودی خوار و کالایی در مالکیت مرد می پندارد.

بیماری زنتیزی در ایران تازی-زده

انگل زنتیزی در ایران دقیقاً پس از اشغال کشورمان بدست تازیان و تزریق بی فرهنگی و باورهای غیرانسانی و وحشیانه آنان به نام دین و خدا وارد پیکر و تن ایران و ایرانی شده بود که پس از گذشت سیزده سده و بویژه از سده □ نوزدهم ترسایی و برپاسازی "مکتب آخوندیسم" بدست سرجان ملکم در هند و صادر کردن ماموران دولت وقت بریتانیا به نام مبلغین مذهبی شیعه از هند و عراق به ایران، در ذرات وجود و هستی اکثریت ایرانیان نهادینه شده است - و 'حجاب اجباری' در ۴۰ سال گذشته از سوی رژیم نوقاجاری روضه خوانان، که با زور و ستمگری بر زنان ایرانی تحمیل می شود -- و شوربختانه با "تماشاگری و خاموشی" و حتا تأیید بسیاری از مردان ایرانی بویژه متعلق به قشر مذهبی نیز انجام می گردد، بخشی از فرهنگ زنتیزی گسترده حاکم بر کشورمان و جامعه □ ایرانی می باشد. این زنتیزی گسترده شوربختانه در اکثریت ایرانیان مسلمان یافت می شود، هتا[حتی] در میان مخالفین رژیم که در چند دهه گذشته در کشورهای غربی می زینند، که بکاربری واژگان زنتیزانه [2] یا به تصویر کشیدن روضه خوانان در پیکر زنان از سوی آنان، بهترین نمونه ها می باشند.

باری، با نگرستن و در نظر داشتن این واقعیت که زنتیزی در ایران یک معضل اجتماعی و فرهنگی بیمار، ریشه گرفته از باورهای نابودگرایانه □ سنت های خوار مذهبی بیگانه، با تاریخی ۱۳۰۰ و اندی ساله در ایران است، بایستی دریابیم، همانگونه که انگلی که وارد تن و پیکر انسانی می شود را با دعا و شعار نمی توان نابود کرد، نیز با پیاسازی کارزارهای مجازی و مبارزات منفی و مدنی با حجاب اجباری، نمی توان "کل زنتیزی" را از جامعه و کشور خود بزدا کنیم؛ و حتا قانونی ساختن "حجاب اختیاری" در آینده هم این معضل و مشکل بزرگ را در جامعه □ ما حل نخواهد کرد؛ - بویژه آنکه بطور کل قانون وضع کردن برای زنان که حجابشان هم اختیاری باشد، نیز گونه ای زنتیزی می باشد. زیرا که در یک جامعه متمدن انسانی از دید قانونی و حقوقی نبایستی تفاوتی میان مرد و زن وجود داشته باشد که قانون ها و احکام گوناگون در تمایز شان صادر گردد.

در نتیجه، دو راهکار برای نابودی این انگل و ریشه کن سازی پایه های زنتیزی در ایران پیش روی ما می باشد. نخست، فرهنگ سازی و زدودن توهم "خودسرورینی" یا "خودعقل کل دانستن" در میان مردان ایرانی، که در اکثر زمان های حتما ندانسته و ناخودآگاهانه انجام می شود؛ - و مهمتر خشکاندن زمین و بستریست که باورها و اندیشه های زنتیزی در آن زاده و رشد و نمو می کنند! مابقی گزینه ها، بزرگ کاری، رفو کاری و ترمیم موقتی بیش نیست و همانند آن می ماند که بپنداریم یک سرباز گلوله خورده را می توان با چسب زخم کرد!

نیز نیاز است تا به روند مبارزاتی کنونی با "حجاب اجباری" نیز اشاره شود و روشن گردد که امروزه هدف چنین مبارزاتی بالقوه مبارزه با فرهنگ "زنتیزی" در ایران نیست - بویژه آنکه تمرکز دادن و متمرکز ساختن افکار عمومی (بویژه مخالفین رژیم روضه خوانان) بر روی مخالفت با حجاب اجباری از سوی برخی مهره ها مهندسی صادراتی از سوی رژیم به پرونمرزها^[3] که در گذشته بخشی از بدنه جناح دولتی اصلاح طلبان و برای بقای رژیم فعالیت داشته اند، در حقیقت دور ساختن افکار عمومی و نهانی از مبحث زنتیزی در ایران است.

بگفته ای دیگر، فرهنگ زنتیزی، یا ضعیفه دانستن و کالا پنداشتن زن در ایران، که یکی از دو پایه و ارکان اصلی کیش تازیان می باشد (پایه و ستون دیگر آن 'خشونت' است) و در صورت ریشه کردن ساختنش، در حقیقت اسلام در ایران به خطر خواهد افتاد. از آن روی مبارزه با حجاب اجباری بدون اشاره به منشاء و ریشه های زنتیزی در ایران، یک فرافکنی، ترفند و طرحی هوشمندانه از سوی این عده است که در هراسند با سرنگونی رژیم روضه خوانان، پایه های اسلام در ایران نیز متزلزل و دکان دینداریشان بسته و بساط خرافه پراکنی اشان در راستای اهداف بیگانگانی که همواره از مذهب برای استثمار ایران بهره وری کرده اند، نیز برچیده شود. یکی از بهترین نمونه های این هراس، ارائه و علم کردن فرضیه و فلسفه باصطلاح "ایران شهری" است.^[4] پرچمدار این فلسفه یا تلاشی مذبحخانه در آمیختن آب با روغن، سیدجواد طباطبایی می باشد که می پندارد با پیوند دادن "شیعه" و "فرهنگ باستانی ایران" و ارائه تئوری موهوم و بی اساسی که "شیعه ادامه فرهنگ و تمدن باستانی ایران" است، در زمان سرنگونی رژیم روضه خوانان از سوی ملت ایران، می تواند خطر را از سر شیعه و کل اسلام در ایران دور نگه دارد.

بهر روی، "زنتیزی" ("خوارپنداری" و "ضعیفه خوانی" زن) در ایران اسلامزده، نشانه یک کشور، ملت و جامعه بیمار است - بیماری که اثرات مستقیم بر تبعیض، ستمگری، عقب افتادگی، سقوط ارزش ها و انسانیت در جامعه ما دارد. بنابراین، برای برداشتن همه این تبعیضات، ستمگری ها، خرافات و واپسگری ها، بایستی فرهنگ زنتیزی را در ایران برای همیشه ریشه

کن سازیم، که آنهم تنها با فرهنگ سازی و زنده ساختن و حاکمیت فرهنگ راستین و والای ایرانی ممکن می گردد.

فروغ اهورایی، همواره پاسدار و نگهبان ایرانزمین و ایرانیان باد.

شاپور سورنپهلو

روز ارد از ماه تیر سال ۳۷۵۷ بهدینی

۲۲ تیر ماه ۲۵۷۸ شاهنشاهی

۱۳ ژوئیه ۲۰۱۹ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

پیوند اینترنتی کوتاه شده به این نوشتار: [32mA1bn/ly.bit//:https](https://32mA1bn/ly.bit/)

1 - سورنپهلو، شاپور، "از توطنه تا انقلاب مهندسی شده ۵۷: چرا و چگونه بریتانیا، آمریکا و اسرائیل نظام شاهنشاهی را سرنگون ساختند؟"

2 - از جمله دو قشر باصطلاح "جمهوری خواه سکولار" و "چپگرا" که خود را روشنفکر و ضدزنتیزی می خوانند، ولی در زمان یاد کردن از شاهزاده رضاپهلوی او را "رضا دیا" می خوانند، زیرا که فرهنگ زنتیزی اسلامی در وجود این عده ریشه دارد و بر این اساس هم "فرزندِ مادر بودن را پستی و خواری" بر می شمارند.

3 - سورنپهلو، شاپور، "هشدار: نیرنگ تازه □ رژیم برای خنثی سازی مبارزات ملی و مردمی: صدور اراذل و اوباش سیاسی خود به برونمرزها، تحت نام اپوزیسیون و مخالفین رژیم" - <http://bit.ly/2NZcyr8>

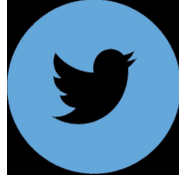
4 - واژه □ "ایرانشر" در زمان ساسانیان به معنی "امپراتوری/شاهنشاهی ایران" بوده است. نیز جنوب استان خواروران (عراق امروزی) که شهر تیسفون، پایتخت امپراتوری ساسانی در آن قرار داشته است، به "دل ایرانشر"، یا "قلب امپراتوری ایران" نامی بوده است.

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أُمَّانَتِكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَئِكُمْ وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ

و زنان شوهردار [ن ز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده ا د.

#419ab3





□